

توانایی‌های صنعت کشاورزی در تحقق اقتصاد مقاومتی

بهناز ناوای سابق

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان - سنندج

Behnaz.na.1370@gmail.com

چکیده

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی یکی از اصلی ترین اهداف اقتصادی تمامی کشورها است. کشور ایران با توجه به اینکه در طول سالیان گذشته و همچنین در حال حاضر درگیر فشارهای اقتصادی از طرف کشورهای دیگر در قالب تحریم‌های اقتصادی بوده است باید از راهکار جدیدی برای جبران زیان‌های آن تحریم‌ها اقدام کند. یکی از ایده‌های دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در این حالت استفاده از اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی برای کشورهای تحریم شده که حق واردات و صادرات ندارند یک راهکار بسیار مفید برای مقابله با آن تحریم‌ها می‌باشد. یکی از قسمت‌هایی که می‌تواند در بی‌نیازی کشور و تحقق گوشه‌ای از اقتصاد مقاومتی مفید باشد توسعه صنعت کشاورزی است. کشاورزی می‌تواند یکی از ارکان مهم اقتصاد مقاومتی باشد و نقش مهمی در رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی داشته باشد. در این پژوهش نیز راهکارهای استفاده از صنعت کشاورزی در تحقق اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار گرفته و بیان می‌شود که چگونه از طریق تقویت صنعت کشاورزی می‌توان به موفقیت‌های بزرگی در تحقق بهتر اقتصاد مقاومتی رسید و موجب بی‌نیازی از تولیدات خارج کشور شد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، کشاورزی، توسعه اقتصادی

The Ability of the Agricultural Industry in the Realization of Resistive Economy

Behnaz nanvay sabegh

M.A Department of Economics University of Kurdistan

Behnaz.na.1370@gmail.com

Abstract

Achieving economic growth and development is one of the main economic objectives for all countries. In recent years and even now Iran economy has been under pressure and obstacle because of the sanction which imposed by western countries so it has to choose new strategy to compensate those sanction losses. In this situation one of the ideas to achieve economic growth and development is using the resistive economy. Resistive economy for countries which face with import and export limits is a very useful way to deal with the sanctions. One of sectors that could help the Self-sufficiency of the country and the strength of the economy is the improving agriculture sector. In this study, we examined the solution to achieving resistive economy by agriculture sector and we explained by strengthening the agricultural industry how can behave huge successes to achieving resistance economy, by strengthening agriculture sector and cause Self-sufficiency.

Key Words: Resistive economy, Agriculture, Economic Development

مقدمه

کشاورزی در ایران بزرگ‌ترین بخش اقتصادی پس از بخش خدمات است که حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی و سهم عمده‌ای از صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین محل اشتغال بخش وسیعی از جمعیت کشور است. بدین ترتیب رشد این بخش تا حدود زیادی تعیین کننده رشد اقتصادی کشور است (حاجی رحیمی و ترکمانی، ۱۳۸۲). قدمت کشاورزی یقیناً بیش از قدمت روستا است. چه آنکه کشاورزی خود موجب و زمینه‌ساز پیدایش روستا بوده است؛ در بسیاری از کشورها و اغلب کشورهای کمتر توسعه یافته، کشاورزی بزرگ‌ترین صنعت منفرد است و نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی جمعیت و تأمین اقلام صادراتی کشورها ایفا کند. امروزه بسیاری از محققان و دانشمندان، توسعه کشاورزی را به عنوان استراتژی و راهبرد اصلی توسعه روستایی قلمداد کرده و معتقدند که کشاورزی به عنوان منبع اصلی تأمین درآمد فرصت‌های اشتغال، نقش اساسی در توسعه روستایی اسفا می‌کنند. در واقع کشاورزی و فعالیتهای متنوع و گوناگون آن نقش مهمی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مناطق روستایی دارد، ناگفته نماند که اقتصاد نواحی روستایی کشور، مشتمل بر فعالیتهای کشاورزی و غیرکشاورزی می‌باشد و آنچه از گذشته‌های دور، تصویری از روستا بر ذهن‌ها نقش می‌بندد، فعالیتهای بخش کشاورزی است. نظر به اینکه یکی از هدف‌های اقتصادی، تأمین مواد غذایی مورد نیاز جمعیت، ایجاد امنیت غذایی در جامعه و برخورداری از رفاه و تأمین آسایش مردم می‌باشد، بررسی وضعیت و چگونگی انجام فعالیتهای بخش کشاورزی به عنوان مهم‌ترین بخش اقتصاد کشور و محور برنامه‌های توسعه در نواحی روستایی حایز اهمیت است. شایان ذکر است که توسعه کشاورزی به دلیل ساختارهای بسیار متفاوت کشاورزی در کشورهای مختلف، تعاریف بسیار ارائه شده است، به ویژه آنکه فرآیند توسعه کشاورزی در جوامع مختلف با تغییر و تحول و شدت و ضعف بسیار متفاوتی رو به رو بوده است. برخی از توسعه کشاورزی به عنوان گذر از کشاورزی سنتی تأکید دارند و برخی دیگر آن را فرآیندی می‌دانند که در طی آن و به تدریج اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشاورزان بهبود یافته و اصلاح می‌شود (روستایی و عطایی، ۱۳۹۴).

با ظهور انقلاب اسلامی، حکومت جدیدی در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشت و به مبارزه با آن پرداخت. ظهور چنین حکومتی در منطقه خاورمیانه که از لحاظ ژئوپولیتیکی دارای اهمیت بسیار است، موجب شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه‌های نظامی، تهاجمات به عرصه‌های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه‌ها که به ویژه در سال‌های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده، عرصه اقتصادی است (Balasa, 1990). بنابراین، انقلاب اسلامی ایران مکلف به نوآوری و نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم اقتصاد مقاومتی است (علیخانی، ۱۳۸۰).

بنا به تعریف برخی اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در روبرویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، می‌بایست هر چه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا می‌یابد (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳). از این رو ضروری است مفهوم اقتصاد مقاومتی و ضرورت مطالعه و نیز راهکارهای تحقق آن در اقتصاد ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. بنابراین، این پژوهش بر آن است تا صنعت کشاورزی را به عنوان یکی از راه‌های دستیابی به اهداف مورد نظر اقتصاد مقاومتی شرح دهد.

اقتصاد مقاومتی

تعاریف و مفاهیم اقتصاد مقاومتی

هنگامی که بحث اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، تصور ما از اقتصاد نوعی اقتصاد اسلامی است که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی خاص دنبال می‌کند. نخستین مفهوم قابل

استنباط از اقتصاد مقاومتی این است که ما در جهانی زندگی کنیم که دشمن در عرصه‌های مختلف حضور دارد؛ یکی از این عرصه‌ها، فعالیت اقتصادی است. به عبارت دیگر، در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصصی قرار داریم که می‌بایست جهت نیل به اهداف این فضا را مدیریت کنیم. از این رو وقتی می‌گوییم اقتصاد مقاومتی، یعنی اینکه ما می‌خواهیم از حیثیت و هویت خودمان در مقابل دشمن یا رقیب دفاع کنیم و باید هر الزامی را که این مقاومت و دفاع نیاز دارد وارد برنامه‌ریزی و استراتژی‌های اقتصادی خود کنیم. با این تعریف اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی ملت، یا گروه اجتماعی مقاومی اشاره دارد که در راستای احقاق حقوق خود یا پیگیری اهداف سیاسی که از نظر آنها بر حق است، مبارزه می‌کنند. هر اندازه اقتصاد ملت یا گروه اجتماعی مقاوم، به آنها در راستای تحقق اهداف مقاومت بیشتر یاری برساند، مقاومتی‌تر است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳).

قاعدتاً در چنین فضایی هم دشمن بیرونی وجود دارد و هم دشمن داخلی و از طرف دیگر امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. این را اقتصاد مقاومتی می‌گوییم، یعنی اقتصادی که این نوع مؤلفه‌ها را به خوبی می‌فهمد و جامعه را بر اساس آن مدیریت می‌کند. اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی بیگانه نیست، بلکه می‌توان گفت یک نوع مکمل اقتضایی آن است که به ضرورت زمان فعلی ما باز می‌گردد و در شرایط فعلی تحریم ضرورت آن دوچندان است (Peet and Elaine, 2009).

حمایت از تولید ملی

چندین سال متوالی است که تأکید مقام معظم رهبری بر ضرورت حمایت هر چه بیشتر از تولیدات داخلی و ملی است. با حمایت بیشتر از تولیدات داخلی و افزایش کیفیت این تولیدات می‌توان از واردات کالاهای خارجی به داخل کشور جلوگیری کرد و لذا از این طریق از خروج ارز به بیرون کشور جلوگیری نموده و از آن مقدار ارز که نگه داشته می‌شود می‌توان در تأمین سایر مصارف همانند واردات تکنولوژی یا علوم و ... استفاده کرد و موجبات پیشرفت در سایر زمینه‌های اقتصادی را فراهم ساخت. در قسمت‌های بعدی به نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی کشور پرداخته می‌شود و زمینه‌هایی که کشاورزی به عنوان یکی از حوزه‌های مهم اقتصاد جهت دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی می‌تواند در آن فعال باشد، مورد بحث قرار می‌گیرد.

کشاورزی

طی دهه‌های گذشته، در مورد نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. بر اساس این دیدگاه‌ها، بخش کشاورزی از نقش غیرفعال در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ به نقش فعال و پویا در اخیر تحول یافته است، به گونه‌ای که امروزه دیدگاه غالب آن است که بخش کشاورزی به رغم کاهش سهم آن در اشتغال و تولید ناخالص ملی به لحاظ اهمیت کلیدی در جریان توسعه اقتصادی به ویژه از نظر عرضه مواد غذایی و مواد خام صنعتی نیازمند توجه بیشتری است. به موازات توسعه شهرنشینی، اهمیت بخش کشاورزی افزایش می‌یابد؛ زیرا همراه با توسعه اقتصادی و ازدیاد درآمد، تقاضا برای مواد پروتئینی نیز بیشتر می‌شود. چنانچه تولیدات داخلی نتواند به این تقاضا پاسخ دهد، جامعه ناچار به اختصاص ارز کمیاب داخلی به واردات محصولات کشاورزی خواهد بود (سالم و نمازی، ۱۳۸۶).

نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی

الف) عرضه مواد غذایی و مواد خام صنعتی

افزایش مواد غذایی قابل عرضه به بازارهای شهری در کشورهای در حال توسعه دارای اهمیت بسیار است، زیرا نخست آنکه به علت توسعه اشتغال در صنعت و سایر فعالیت‌های غیرکشاورزی، جمعیت مصرف‌کننده شهری در این کشورها به سرعت رو به افزایش است و دیگر آنکه به علت پایین بودن سطح تغذیه گرایش نهایی به مصرف در این جمعیت بالاست و بخش زیادی از درآمد صرف مواد غذایی می‌شود. در نتیجه، سطح دستمزدهای صنعتی مشاغل غیرکشاورزی دیگر تا اندازه زیادی با سطح قیمت مواد غذایی ارتباط دارد. بدیهی است هرگاه عرضه مواد غذایی نتواند همگام با تقاضا زیاد شود، قیمت مواد غذایی افزایش می‌یابد و در نتیجه آن فشار روی دستمزدهای صنعتی و تورم در شهرهاست. افزایش دستمزدهای صنعتی و تورم، در نهایت، سبب کاهش تولیدات صنعتی و کندی توسعه اقتصادی می‌شود (سالم و نمازی، ۱۳۸۶).

علاوه بر عرضه مازاد مواد غذایی، بخش کشاورزی از طریق افزایش عرضه مواد خام صنعتی می‌تواند به توسعه و رونق صنایع سبک (مانند صنایع نساجی، پشم‌بافی، قالی‌بافی، تولید قند و غیره) در کشورهای در حال توسعه کمک کند و افزایش تولید و عرضه این مواد، هزینه تولید این صنایع را پایین می‌آورد، و از وارد کردن مواد خام برای این گونه صنایع جلوگیری می‌کند؛ و البته در صورت تولید انبوه، می‌توان مازاد آن را صادر کرد (سلطانی و نجفی، ۱۳۷۵).

ب) تأمین ارز از طریق صادرات مازاد تولید برای واردات کالاهای دیگر

در اکثر کشورهای پیشرفته امروزی، کشاورزی در تأمین ارز مورد نیاز برای توسعه و گسترش نظام صنعتی نقش مهمی بر عهده دارد. در کشورهای در حال توسعه، توسعه کشاورزی، علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف ارز خارجی و در نتیجه بهبود تراز پرداخت‌های خارجی، امکان صادرات مواد خام کشاورزی و تأمین ارز را فراهم می‌سازد. لازم به یادآوری است که کشاورزی تنها منبع تأمین ارز و سرمایه در مراحل اولیه توسعه اقتصادی نیست و سایر مواد اولیه نیز می‌تواند این سرمایه را فراهم آورد، ولی بین محصولات کشاورزی و مواد معدنی به مثابه منابع تأمین ارز تفاوت اساسی وجود دارد. کشاورزی می‌تواند منبع تأمین ارز دائمی باشد، در حالی که عمر مواد معدنی محدود است و نمی‌توان همواره به آنها اتکا داشت (قره‌باغیان، ۱۳۷۲).

در سال ۱۳۹۳، وزن کل صادرات بخش کشاورزی ۵۵۲۹/۳۱ هزار تن با ارزش حدود ۶۷۷۱/۳۸ میلیون دلار می‌باشد که دارای سهمی معادل ۶/۹۷ درصد از کل وزن صادرات کالاهای غیرنفتی و سهم ۱۸/۹۵ درصدی از ارزش کل صادرات کالاهای غیرنفتی می‌باشد که نسبت به سال قبل آن هم از لحاظ وزنی و هم درصدی افزایش داشته است. همچنین در سال ۱۳۹۳ وزن کل واردات بخش کشاورزی ۲۲۷۸۰/۸۴ هزار تن با ارزش حدود ۱۲۲۰/۸۲ میلیون دلار می‌باشد که سهمی معادل ۵۵/۲۵ درصد از کل وزن واردات کالاهای غیرنفتی و سهم ۲۳/۲۹ درصدی از ارزش کل واردات کالاهای غیرنفتی سال می‌باشد که نسبت به سال قبل خود از لحاظ وزنی افزایش و از لحاظ ارزشی کاهش داشته است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۴). با توجه به آمارهای داده شده می‌توان دریافت که تراز تجارت خارجی بخش کشاورزی منفی می‌باشد لذا می‌توان با توجه بیشتر به این زمینه اقتصادی با اهمیت کشور بهتر اقتصاد مقاومتی را به اجرا درآورد.

در جدول شماره ۱، آمار مربوط به میزان صادرات و واردات کالاهای کشاورزی به تفکیک آورده شده است:

جدول شماره ۱. آمار صادرات و واردات کالاهای اساسی کشاورزی در سال ۱۳۹۳

عنوان	صادرات		واردات	
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)
انواع گندم	۴۹/۷۶	۱۹/۹۳	۷۱۲۲/۸۷	۲۳۴۰/۷۵
برنج	۰/۳۹	۰/۸	۱۱۸۵/۳۴	۱۴۰۸/۷۱
جو	-	-	۱۸۱۵/۳۳	۴۹۹/۵۱
ذرت	۳/۲۸	۲/۸۱	۶۱۶۱/۹۵	۱۷۷۹/۴۳
سویا	۲/۶۶	۲/۵۵	۳۷۰/۸۲	۱۸۶/۱۱
آفتابگردان	۰/۹۸	۱/۳۴	۵۰/۶	۸۱/۰۸
کلزا	۰/۰۳	۰/۰۳	۵۰/۷۱	۳۱/۲۶
نخود	۳۴/۶۶	۳۵/۲	۱۳/۵۳	۱۲/۳۷
عدس	۰/۰۲	۰/۰۴	-	-
لوبیا	۴/۵۴	۸/۹۲	۳/۵۲	۴/۳۴
سیب زمینی	۴۰۴/۵۹	۱۸۷/۵۱	۲/۲۳	۳/۷۷
پیاز	۲۵۵/۰۳	۹۶/۷۴	-	-
گوجه‌فرنگی و رب گوجه‌فرنگی	۵۸۰/۱۴	۳۵۸/۴۴	-	-
کنجاله	۷۱/۷۵	۱۹/۶	۲۳۴۰/۷۵	۱۳۲۲/۰۶
انواع روغن	۸/۶۷	۱۶/۸۴	۱۳۲۷/۸۵	۱۳۸۴/۰۹
چای	۳۴/۴	۳۶/۷۴	۴۸/۴۸	۲۴۵/۶۳

۳۷۸/۱۸	۸۲۴/۱۶	۳۸/۵۹	۴۷/۲۳	قند و شکر
-	-	۱۷۲/۲۴	۳۹۴/۸۴	سیب
-	-	۱/۲۲	۲/۳۳	پرتقال
-	-	۲۱۸/۹۹	۱۶۲/۱۵	خرما
۱۹۲/۶۹	۴۰/۳۴	۱/۶۹	۰/۴۴	کره
۱۱/۱۵	۴/۹۳	۱۰۵/۳۶	۶۵/۹۶	گوشت مرغ
۳۴۵/۹۳	۶۸/۰۱	۱۲۵/۴	۲۷/۴۲	گوشت قرمز
-	-	۱۶۲۲/۷۸	۱۸۰/۲۶	پسته
-	-	۲۲۶/۹۱	۰/۱۶	زعفران
۱/۱۲	۰/۰۳	۹۸/۶	۷۱/۳	انواع تخم مرغ

منبع: وزارت جهاد کشاورزی

ج) ایجاد اشتغال برای نیروهای مولد و عرضه مازاد نیروی کار

نیروی کار یکی از عوامل مهم و عمده در تولید است و بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، زمینه اشتغال درصد مهمی از نیروی کار را فراهم کرده است. همچنین بخش کشاورزی می‌تواند با افزایش بهره‌وری، نیروی کار مازاد خود را رها سازد و از این طریق، به افزایش تولیدات صنعتی کمک کند. البته رهاسازی نیروی کار مازاد یا مهاجرت بخشی از روستاییان به شهرها با دو شرط امکان‌پذیر است: نخست اینکه مهاجرت نیروی کار اثر منفی بر تولید کشاورزی نداشته باشد، و دیگر اینکه شهرها و بخش صنعتی که در محاورت شهر قرار دارند، ظرفیت جذب نیروی کار اضافی را دارا باشد. برای تحقق شرط اول باید بهره‌وری نیروی کار یا زمین، یا هر دو، در کشاورزی افزایش یابد. این موضوع تا حد زیادی به نسبت جمعیت کشاورزی یک کشور بستگی دارد؛ هر اندازه این نسبت بالاتر باشد، امکان وجود نیروی کار مازاد بیشتر است (قره‌باغیان، ۱۳۷۲).

اشتغال در کشور امنیت عمومی را در پی خواهد داشت که می‌تواند مشکلات فرهنگی را نیز مرتفع کند. بنابراین، ایجاد فرصت‌های شغلی از سوی دولت امری ضروری تلقی می‌شود. در شرایط فعلی افزایش فرصت‌های شغلی یکی از الزامات و اقدامات مهم مقامات مسئول در دولت محسوب می‌شود، چرا که در راستای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، نیازمند نیروی کار بیشتر در کشور هستیم. از جمله راهکارهای موثر برای ایجاد اشتغال، توسعه صنعت کشاورزی کشور با استفاده از جهت دادن سرمایه‌های داخلی به سمت این زمینه کاری مهم است.

بر اساس آمار موجود، سهم بخش کشاورزی در اشتغال کشور، طی دهه ۸۰-۷۰، به طور متوسط ۲۳/۳ درصد بوده است که در سال ۱۳۸۰ از جمعیت ۶۵ میلیونی، حدود ۳/۴ میلیون نفر در این صنعت شاغل بوده‌اند که این میزان اشتغال در سال ۱۳۹۴ به ۱۸ درصد و معادل ۳/۹ میلیون نفر می‌باشد (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

د) گسترش سایر فعالیت‌ها

با تبدیل کشاورزی سنتی و بسته به کشاورزی تجاری و افزایش تدریجی بهره‌وری کشاورزی، پیوند بین کشاورزی با بخش‌های دیگر اقتصادی گسترش می‌یابد. با گسترش این پیوند، نیاز بخش کشاورزی به نهاده‌های تولیدی در خارج از این بخش بیشتر می‌شود و فعالیت‌های تبدیل مواد خام کشاورزی به فرآورده‌های متنوع‌تر و مورد تقاضای مصرف‌کننده شهری به تریج گسترش می‌یابد. گسترش فعالیت‌های قبل و بعد از تولید مواد خام کشاورزی، اشتغال و درآمد بیشتر ایجاد می‌کند و بدین ترتیب، ارزش افزوده فرآورده‌های کشاورزی بیشتر می‌شود. در کشورهای پیشرفته، اگرچه سهم کشاورزی در اشتغال و تولید ناخالص ملی در مقایسه با بخش‌های دیگر کم است، سهم فعالیت‌های دیگر و فرعی وابسته به کشاورزی نسبتاً زیاد و در حال افزایش است (سلطانی و نجفی، ۱۳۷۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به موضوعات ارائه شده در مورد تاثیرات کشاورزی در دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی به این نتیجه می‌رسیم که کشاورزی با توجه به اهمیت زیاد آن در حوزه اقتصاد و به ویژه در ایجاد شغل برای افراد و عدم خروج ارز از کشور در صورت خودکفا بودن، باید بیشتر از قبل مورد توجه قرار گیرد. در کشور ما هنوز تراز تجاری کشاورزی منفی است و با توجه به وجود خاک حاصلخیز و همچنین چهار فصلی بودن کشور باید در جهت مثبت کردن تراز تجاری این حوزه تلاش کرد تا با استفاده از درآمدهای ارزی ناشی از این حوزه به سایر حوزه‌های اقتصادی کشور کمک کرد و سعی شود در سایر حوزه‌ها نیز خودکفایی به دست آید. یکی از اصول مهمی که در اقتصاد مقاومتی بیشتر از هر اصل دیگری به چشم می‌خورد عدم وابستگی به اقتصادهای غربی و دشمنان کشور است و می‌توان با خودکفا شدن در امر کشاورزی به این هدف والا دست یافت. کشور ما از بعد از انقلاب با انواع تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کند که برای ادامه حیات کشور و به دست آوردن رفاه اقتصادی بیشتر و عدم وابستگی به دنیای خارج کشور باید به کشاورزی توجه بیشتری شده و تا رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی در حوزه کشاورزی تلاش‌ها همچنان ادامه یابد.

فهرست منابع

- حاجی‌رحیمی، محمود و ترکمانی، جواد (۱۳۸۲). بررسی نقش رشد بخش کشاورزی در رشد اقتصادی ایران کاربرد الگوی تحلیل مسیر. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره ۱۱، شماره ۴۱ و ۴۲، ۸۳-۷۱.
- روستایی، الناز و عطایی، یاسمین (۱۳۹۴). بررسی و نقش فعالیت کشاورزی و تأثیر آن بر اقتصاد خانوارهای روستایی سیستان. *سومین همایش ملی پژوهش‌های محیط زیست و کشاورزی ایران*.
- سالم، جلال و نمازی، علی (۱۳۸۶). نقش بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی استان یزد. *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
- سلطانی، غلامرضا و نجفی، بهالدین (۱۳۷۵). *اقتصاد کشاورزی*. تهران، نشر دانشگاهی.
- علیخانی، حسین (۱۳۸۰). *تحریم ایران شکست یک سیاست*. مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- فشاری، مجید و پورغفار، جواد (۱۳۹۳). بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران. *مجله اقتصادی*، دوره ۱۴، شماره ۵ و ۶، ۴۰-۲۹.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۲). *اقتصاد رشد و توسعه*، جلد ۱ و ۲، تهران، نشر نی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۳۹۵، https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1395/n_nank_95-3.pdf
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۳). *کشاورزی در آئینه آمار*، تهران، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۴). *صادرات و واردات بخش کشاورزی ۱۳۹۳*، <http://www.maj.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=c5c8bb7b-ad9f-43dd-8502-cbb9e37fa2ce>
- Balasa, B. (1990). Korea's Development strategy, in jene K. Kwon Ed, Korea Economic Development, GreenwoodPress, Connecticut, PP. 1-17.
- Peet, R. & H. Elaine (2009), Theories of Development Contentions, Arguments, Alternatives, The Guilford Press, Second Edition.